



اعتبارسنجی سند روایات فقهی از منظر صاحب ریاض (رحمه الله)

مجید خاموشی*

چکیده

نتیجه و برایندهای رجالی و حدیثی در کمیت و کیفیت اعتبارسنجی و ارزش‌گذاری اسناد روایات اهل بیت به خوبی دیده می‌شود. هرگونه اتخاذ مبنا در مسائل مرتبط با سند روایات می‌تواند در رد یا قبول روایات موثر باشد و این تأثیر در وادی فقه که مرتبط با عمل مکلف و جامعه مسلمانان است بسیار ملموس‌تر است. شیوه‌ها و مبانی اعتبارسنجی اسناد تفاوت‌های چشمگیری دارند و هر عالم و مجتهدی که دغدغه استفاده از نص دارد باید شیوه و مبانی مقبول خودش را داشته باشد. صاحب ریاض به عنوان یکی از فقهاء سترگ هم عصر عالمان اخباری شیعه - که حوزه شیعه هنوز متأثر از نگاه‌های متفاوت آنان به حدیث بود - هم چون دیگر مجتهدان عرصه فقاقت، مبانی و روش‌هایی در اعتبارسنجی اسناد روایات دارد که در عین اهمیت آن، تاکنون استخراج نشده و از لابلای کتاب‌های فقهی و مرتبط ایشان قابل برداشت است. این مقاله با کمک از منابع مکتوب و روش توصیفی - تحلیلی در صدد است تا چگونگی اعتبارسنجی اسناد روایات را طبق نظر ایشان و با استفاده از شواهد و قرائن موجود - در نبود منابع رجالی و حدیثی از صاحب ریاض - از کتاب‌های فقهی شان برداشت کند. صاحب ریاض اهمیت زیادی به اعتبار و صحت سند می‌دهد و از طرفی قائل است که سند ضعیف؛ قابل جبران به وسیله اجماع یا شهرت و... است. ایشان توثیقات - تضعیفات و قواعد رجالی را در اعتبار اسناد دخیل دانسته و آثار آن را در رد یا قبول روایت جاری می‌داند. اعتماد به قاعده اصحاب اجماع، قاعده تسویه و... از مواردی است که در اعتبارسنجی روایات از نظر ایشان کاربرد دارد.

واژگان کلیدی: صاحب ریاض، سند، روایت، اعتبار، ارزشیابی.

* استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، عضو گروه علمی مدرّس امام علی بن موسی الرضا (ع)

majidkhamoshi@gmail.cim



مقدمه

اعتبار سنجی سند یکی از راه های مهم سنجش اعتبار روایت است. مسأله اساسی در مقاله حاضر این است که صاحب ریاض که فقیهی نامدار و دارای کتابهای فقهی است در استفاده از روایت و با توجه به اهمیت ویژه ایشان به اسناد روایات چگونه عمل کرده است؟ چه ملاک‌هایی را برای اعتبار سند روایات حجت دانسته و بدان عمل کرده است؟ شناخت ملاک‌ها و معیارهای سنجش اسناد روایات مبحثی بسیار مهم و کاربردی است و قسمتی از کار اجتهادی درباره روایات است که اثر آن در همه زمینه‌های اسلامی مرتبط با حدیث از جمله فقه نمایان می‌شود.

شایان ذکر است که در موضوع این مقاله پژوهشی انجام نشده و همین بر ضرورت چنین تحقیقی صحه می‌گذارد.

طباطبائی حائری صاحب ریاض:

سیدعلی بن محمدعلی (محمد) طباطبائی حائری (۱۱۶۱-۱۲۳۱ق)، مشهور به صاحب ریاض، از فقیهان و اصولیان شیعه در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم قمری است. وی از مشهورترین شاگردان وحید بهبهانی بوده است که در اصول بیش از فقه متبحر بوده است، ولی با نگارش ریاض المسائل در فقه شهرت بیشتری یافت و به صاحب ریاض معروف شد. فقیهانی مانند ابوعلی حائری، شیخ احمد احسائی، محمدباقر شفتی و فرزندش سید محمد مجاهد نزد او شاگردی کرده‌اند. او با نگارش الرسالة البهیه به تقابل با اخباری‌گری برخاست.^۱

وی دو کتاب مهم (و البته رساله‌های متعددی) در فقه دارد که «ریاض المسائل»

۱. ویکی شیعه، ذیل عنوان «سیدعلی طباطبائی».



مشهور تر از «الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع» است. آراء رجالی و دیدگاه او در ارزیابی اسناد روایات از همین دو کتاب که به طبع درآمده استفاده شده است.

صاحب ریاض استادی همچون وحید بهبهانی^۱ و شاگردانی مانند صاحب منتهی المقال^۲ دارد که صاحب کتاب در علم رجال و درایه‌اند، امری که نشان از اهمیت علم رجال در دوران معاصرشان دارد. علاوه بر این، قوت اخباریگری در آن برهه زیاد بود و آنان معمولاً اهمیتی به علم رجال و ارزیابی اساتید کتب حدیثی خصوصاً کتب اربعه نمی‌دادند^۳ پس طبیعی است که یکی از زمینه‌های مقابله با آنان توسط وحید بهبهانی و شاگردانش مباحث رجالی و لزوم ارزیابی حدیث بود.

صاحب ریاض که شخصیتی اصولی و فقهی است اگر چه کتاب مستقلی در علم رجال ندارد اما صاحب آراء رجالی است که در کتاب‌های فقهی‌اش پیدا و پنهان است و با توجه به زمان حیات علمی ایشان، استقصاء و تدوین آن ضروری و لازم به نظر می‌آید.

مبانی اعتبارسنجی اسناد روایات:

قبل از ورود به موضوع اعتبارسنجی روایات برخی از مبادی و لوازم اعتبارسنجی روایات را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- حجیت خبر ثقه:

صاحب ریاض همانند مشهور اصولیان خبر واحد ثقه را معتبر دانسته و عمل به آن را حجت می‌داند. وی با پیگیری اعتبارسنجی اسناد روایات در صدد اثبات وجود خبر ثقه است.

۱. رحمان ستایش، محمد کاظم، آشنایی با کتب رجالی شیعه، ص ۲۵۴.

۲. ایشان محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری است.

۳. رحمان ستایش، محمد کاظم، آشنایی با کتب رجالی شیعه، ص ۲۵۴.



این صحبت بدان معنا نیست که افرادی که بدون بررسی سند؛ روایات را حجت می‌دانند^۱ قائل به حجیت خبر واحد ثقه نیستند.

او درجایی با اشاره به مبنای صاحب سرائر در عدم حجیت خبر واحد این مبنا را غیر اصیل می‌داند و می‌گوید: «مع عدم ظهور مخالف لهم من القدماء بالمرء عدا الحلی خاصه؛ لأصله الغير الأصل من طرحه الأخبار الآحاد»^۲

۲- عدم قطعیت صدور روایات کتب اربعه:

عده‌ای از جمله اخباری‌ها اعتبارسنجی روایات خصوصاً روایات کتب اربعه را نه تنها لازم ندانسته بلکه احیاناً ناروا می‌دانند. برخی از آنها ادّعی قطعیت صدور کتب اربعه را دارند، برخی ادّعی وثوق و اطمینان می‌کنند و برخی ادّعی حجّیت و اعتبار (ظنّ معتبر نه قطع) دارند.^۳

کسانی که اسناد روایات را بررسی و احیاناً رد یا قبول می‌کنند، این مبنا را قبول ندارند. صاحب ریاض هم از مجتهدانی است که روایات را عموماً و روایات کتب اربعه را خصوصاً به طور گسترده ارزیابی کرده و رد یا قبول می‌کند.

۳- نیاز به علم رجال و حجیت قول رجالی:

اخباری‌ها و حتی عالمان رجالی با توجیهاتی قائل به عدم نیاز به علم رجال اند.^۴ صاحب ریاض که محتوای علم رجال را مورد اعتناء قرار داده و نیاز به آن را تأکید

۱. در ادامه مطالبی در این باره بیان خواهد شد.

۲. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، ج ۱۶، ص ۲۶۲.

۳. صرامی، سیف الله، مبانی حجیت آراء رجالی، ص ۸۴.

۴. ربانی بیرجندی، محمد حسن، سبک شناسی دانش رجال الحدیث، ص ۴۱.

کرده و قائل به حجیت قول رجالی است. وی در جای جای کتاب ریاض المسائل و در ارزیابی روایات به آراء رجالیان استناد و تکیه کرده است.^۱

شایان ذکر است که در چرائی و چگونگی حجیت آراء رجالی اقوال متعددی است^۲ که اکنون درصدد بیان آن نیستیم.

۴- بکارگیری دقیق اصطلاحات حدیثی:

تقسیم اخبار به چهارگانه صحیح؛ حسن؛ موثق و ضعیف از زمان سیدبن طاووس و علامه حلی در بین فقهاء رواج پیدا کرد.^۳

اخباری ها به عللی از جمله صحت همه اخبار کتب اربعه و عدم نیاز به بررسی‌های سندی با این تقسیم مخالفت و واژگانش را استعمال نکرده و مبدعان آن را تقبیح می‌کردند.^۴

دیگر اصطلاحات حدیثی هم خصوصاً آن چه زائده بررسی سندی است مثل مُرسل و مُضمر و... نیز از این دسته است.

صاحب ریاض فقیه و مجتهدی است که در صدد اثبات حجیت روایات با بررسی

۱. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، ج ۹، ص ۲۹۶.

۲. ربانی بیرجندی، محمد حسن، سبک شناسی دانش رجال الحدیث، ص ۴۶.

۳. مرحوم شهید در ذکری به حدیثی صحیح گفته است که تا معصوم بوسیله عادل امامی متصل باشد. روایت حسن را هم روایتی نامیده است که امامی ممدوح و بدون تصریح بر عدالتش از امام معصوم روایت کرده باشد. روایت موثق را نیز روایتی نامیده که تصریح بر وثاقتش شده اما فاسد العقیده است. در نهایت به روایتی ضعیف اطلاق شده که هیچ کدام از شرایط بالا را نداشته باشد. نک: ابن الشهید الثانی، حسن بن زین الدین، منتقى الجمان، ج ۱، ص ۴.

۴. ایروانی، باقر، دروس تمهیدیه فی القواعد الرجالية، ص ۴۷.



سندی و متنی حدیث است لذا در کتاب های فقهی خود و حین بررسی های حدیثی به گونه ای گسترده از اصطلاحات حدیثی استفاده کرده و حتی قیام به تصحیح تسامح فقهاء در بکارگیری این اصطلاحات برآمده است!

بارها در کتاب ریاض به شبیه مورد ذیل برمی خوریم که می گوید: «این که (فلان) مصنف از اصطلاح مرسل برای روایت مورد ظر استفاده کرده صحیح نیست چرا که روایت مورد نظر ضعیف است نه مرسل! البته گاهی از اصطلاح ارسال بجای اضمار استفاده می شود و روایت مورد نظر ما اگرچه از ابوالحسن 7 نقل شده جز آن که روایت دیگر همین باب در استبصار مضمرة آمده است و به کار گیری ارسال بجای اضمار هم متداول است، پس اشکالی بر مصنف وارد نمی شود.»^۱

در جایی دیگر ضمن تبیین نظر محقق حلی نظر وی را در ضعیف شمردن روایت موثق خروج از اصطلاح متأخرین می داند:

«و ممّا ذكرنا من اعتبار سند الرواية بالموثوقية أو الصحة يظهر لك ما في قوله هنا وغيره: «إنّه في سندها ضعف» اللهم إلا أن يريد بالضعف غير المعنى المصطلح عليه بين المتأخرين، أو يعدّ الموثق من أقسام الضعيف، كما هو طريقته في كثير من مواضع الكتاب.»^۲

مبانی در اعتبار سنجی روایات:

صاحب ریاض با توجه به مبانی رجالی خود، روایات را ارزیابی می کند. همان طور که بیان شد این مبانی و آراء رجالی در متن مستقلی نیامده و ایشان ماحصل مبانی خود را در

۱. طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۳، ص ۲۴۷.

۲. همان.



کتاب‌های فقهی‌اش به کار برده است. با بررسی مولفات فقهی به آن چه از این مبانی دست یافته شده اشاره می‌شود.

الف - اصحاب اجماع:

در توثیقات بیان شده که توثیق تقسیم به خاص و عام می‌شود. مراد از «توثیق عام»، حکم نمودن به مورد اعتماد بودن گروهی از افراد، به سبب انطباق ضابطه‌ای خاص بر آنان است. این تعبیر، در مقابل «توثیق خاص» به کار می‌رود که شهادت دادن به وثاقت و مورد اعتماد بودن فردی معین است.^۱

عبارتی از کشی^۲ نقل شده که منشأ بروز نظریه‌ای با نام «اصحاب اجماع» شده که یکی از مبناهای مورد بحث توثیقات عام در دانش رجال است.

در این کتاب درباره سه گروه شش نفره از سه طبقه از اصحاب ائمه : یعنی اصحاب صادقین : ، اصحاب امام صادق 7 ، و اصحاب امام کاظم 7 و امام رضا 7 عبارتی تقریباً مشابه آمده است که می‌گوید: «أجمع أصحابنا علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء و تصدیقهم، و أقرّوا لهم بالفقه و العلم»^۳

برداشت‌های متعددی از این عبارت شده که تنها به دو برداشت که اولی مشهور و دومی منسوب به صاحب ریاض است اشاره می‌شود:

۱- مراد از تعبیر «أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء»، این است که روایت افرادی که در موردشان اتفاق شده است، صحیح‌اند، بدین ترتیب که چنانچه

۱. رحمان ستایش، ۱۳۸۴، ص ۴۵۵.

۲. کشی، محمدبن عمر، اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۵۷.

۳. همان.



سند روایت تا این افراد، صحیح باشد، روایت آنان مطلقاً صحیح شمرده خواهد شد و دیگر به بررسی راویانی که پس از آنان تا معصوم قرار دارند، نیاز نیست. بر این اساس، حتی اگر این راویان ضعیف یا مجهول باشند، روایت، صحیح شمرده می‌شود، چنان که روایت مرسل این افراد از معصوم، در حکم روایت مُسند است. برخی از علمای بزرگ، این برداشت را پذیرفته‌اند و وحید بهبهانی آن را برداشت مشهور بین اصحاب، دانسته است. شهید ثانی، شیخ بهایی، میر داماد، محمدامین کاظمی، وحید بهبهانی، سید محمدباقر گیلانی، سید محسن اعرجی کاظمی، ملا علی کنی، عبد الله مامقانی و مجلسی اول، از جمله کسانی هستند که به این برداشت، معتقدند.^۱

همین برداشت در نزد آیت الله بروجردی معتبر بوده است. بنابراین، نقل اصحاب اجماع از يك راوی مهمل و یا مجهول دلیل وثاقت او می‌شود.^۲

۲- مراد از تعبیر پیش گفته، آن است که افراد مذکور، فقط صحیح‌الحديث‌اند و چنانچه این افراد در سند حدیثی قرار بگیرند که راویان پیشین و پسین‌شان ثقه باشند، آن سند، صحیح شمرده می‌شود. با این تفسیر، اتفاق اصحاب تنها بر صدق (راستگویی) اصحاب اجماع و صحت نقل آنان دلالت می‌کند و بخش‌های دیگر سند، به بررسی رجالی نیازمندند. این برداشت، از سید علی طباطبایی، صاحب ریاض نقل شده است.^۳

البته این نسبت را یکی از شاگردان صاحب ریاض یعنی صاحب منتهی المقال از قول ایشان در توضیح مراد از عبارت کشی «أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنه» نقل

۱. رحمان ستایش، ۱۳۸۴، ص ۴۵۸.

۲. ربانی بیرجندی، محمد حسن، سبک شناسی دانش رجال الحديث، ص ۳۳۷.

۳. همان.



می کند اما همو تأکید می کند که صاحب ریاض در تالیفات متعددش به همان روش مشهور عمل کرده است! می گوید: «استاد ما بعد از اینکه در تالیفات متعدد خودش حکم به تصحیح خبر ضعیف به صرف وجود یکی از اصحاب اجماع دارد، این روش را تماماً انکار می کند! و می گوید: «منظور از ادعای اجماع و صحت آن چه اصحاب اجماع روایات می کنند در جایی است که در سند؛ شخصی که نمی توان در مورد او حکم داد و ناگزیر از توقف درباره او هستیم، نباشد.» بنابراین؛ اگر یکی از اصحاب اجماع بگوید: حدثی فلان، یعنی در صحت این انتساب شکی نداریم اما اگر فلان ضعیف یا غیر معروف بود دیگر فایده ای ندارد.^۱

همان طور که صاحب منتهی المقال به درستی بیان کرده است می بینیم صاحب ریاض در جای جای کتاب فقهی خود به همان برداشت مشهور از عبارت کشی تمسک کرده و روایت را تصحیح نموده است که چند عبارت ایشان را بیان می کنیم:

۱- و كذلك الرواية الثانية ليست بضعيفة، بل موثقة؛ إذ ليس في سندها من يتوقف فيه سوى عمار الساباطي، و هو و إن كان فطحياً إلا أنه ثقة، و مع ذلك في السند قبله الحسن بن محبوب، و قد ظهر لك حاله مراراً من إجماع العصابة على تصحيح ما يصح عنه، فيقرب من الصحيح.^۲

در این روایت، وجود حسن بن محبوب^۳ که جزء اصحاب اجماع شمرده شده است قبل

۱. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال في أحوال الرجال، ج ۱، ص ۵۶.

۲. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل، ج ۱۶، ص ۲۶۲.

۳. حضور حسن بن محبوب در بین اصحاب اجماع مورد اتفاق نیست بلکه عده ای به جای او حسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب را نام برده اند. بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۴۵۷.



از عمارساباطی قرینه ای بر اعتماد به این خبر آورده و توقف در آن را به علت وجود عمار نمی پسندد.

۲- و قصورهما بالجهالة مجبور بأن في سندیهما «من أجمعت علی تصحیح ما یصح عنه العصابة» و هو أبان في الأول، و حماد بن عیسی فی الثاني.^۱

در سند دو روایات که ایشان بررسی می کند به راویان مجهولی می رسد که در حالت عادی باید روایات آنان را ضعیف دانسته و از حیث ارتفاع خارج کرد اما در این جا، آیت الله طباطبائی این قصور در سند را با وجود دو شخصیت از اصحاب اجماع یعنی أبان و حماد بن عیسی در سند تصحیح می کند.

ب- سند مجهول:

اگر در سند شخصی که اصطلاحاً مجهول است^۲ موجب ضعف در سند می شود که در موارد مختلف صاحب ریاض چنین سندی را فی نفسه از اعتبار ساقط می داند. «و أمّا باقی الاختلافات فلیس المشتمل علیها بمعتبر، إمّا سندا، کالموجب للتصدق علی مسکین بقدر شبعه، لاشتمال سنده علی جهالة»^۳. ایشان در مقام داوری بین نظرات مختلف روایتی که مشتمل بر جهالت راوی است را

۱. همان، ج ۱۳، ص ۲۴۳.

۲. مجهول در اصطلاح علامه و ابن داود با متاخرین از زمان شهید ثانی متفاوت است. در نگاه آنان به شخصی که رجالی ها تصریح کرده اند مجهول است، مجهول گفته می شود که نوعی ذم است اما در کلام متاخرین این اصطلاح اعم است و شخص مهملی که اصلاً برایش مدح و ذمی هم نقل نکرده اند مجهول گفته اند. نک: سبحانی، جعفر، کلیات علم رجال، ص ۱۲۲.

۳. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، ج ۱، ص ۲۹۹.



معتبر نمی‌شمارد.

ج - انجبار خبر ضعیف با اصل^۱:

در بررسی سندی ضعیف سند خبر با همراه شدن اصل در کنار آن جبران می‌شود. از طرفی احیاناً عدم اعتنا به حدیث معتبر السند به جهت وجود روایتی معارض با روایت اول است که در یک رتبه قرار دارند. اینجا هم اگر چه مثلاً خبر اول به سبب سندش معتبر است اما چون مقام تعارض است سند معتبر بر خلاف همیشه نمی‌تواند برای ما خبر را معتبر کند.

در تعارض بین اخبار، گاهی یک طرف تعارض موافق اصل است. این که خبر موافق اصل مقدم شود یا خبر مخالف اصل اختلاف است.^۲

در واقع وجود اصل در کنار خبری که به علت تعارض با خبری همسنگ خود از حجیت ساقط شده و به تنهایی نمی‌تواند حجت باشد، (اگر چه معتبر السند هم باشد) ضعیف خبر را جبران کرده و این خبر را می‌توان بر خبر معارض ترجیح داد: «و قصور سند اکثرها، و عدم مقاومتها أجمع لما مرّ من الأصل و الخبر المنجبر به»^۳

تصریح شده که خبر بوسیله اصل تقویت و ضعیف آن جبران شده است. پس همین مزیت همراهی اصل با خبر، سبب ترجیح آن بر دیگر اخبار شده است.

د - انجبار خبر ضعیف السند با شهرت و اجماع

۱. مراد از اصل می‌تواند یکی از اصول عقلیه مثل تخییر یا شرعیه مثل استصحاب باشد.

۲. فرائد الاصول، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۶۶.

۳. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، ج ۱۳، ص ۲۳۵.



آیت الله طباطبائی اهمیت زیادی به شهرت و اجماع علماء می دهد. ایشان در مواردی که تعارض بین روایت صحیح السند و ضعیف السند است پیوسته روایت صحیح السند را ترجیح نمی دهد بلکه اگر روایت ضعیف السند معتضد به شهرت باشد آن را به سبب شهرتی که در بین علماء دارد مقدم می داند. می گوید:

و غاية ما قيل في سند الرواية المفصلة من القوة و الصحة، كما عن التحرير، بعد تسليمه لا يوجب حصول المكافأة، بل غايته كونها رواية صحيحة، و هي لا تكفي الرواية الضعيفة المعتضدة بالشهرة^۱.

هـ- نظر ایشان درباره راوی پر تکرار سهل بن زیاد:

ایشان درباره بسیاری از روایات با راویان مختلف تنها به اظهار نتیجه ارزیابی بسنده می کنند و بدون ذکر راوی، روایت را ضعیف؛ موثق و یا ... می نامد ولی درباره برخی از پرتکرارترین و اختلافی ترین راویان مثل سهل بن زیاد اظهار نظر می کند:

«و الثاني - سهل بن زیاد- و إن ضعف على المشهور^۲، إلّا أنّه سهل، مع أنّه عند جمع من المحققين ثقة^۳»

وی به تبع برخی دیگر از محققان سهل بن زیاد را که نجاشی تصریح به ضعف او کرده ثقة و مورد اعتماد می داند و روایات فراوانی که به صرف وجود او ضعیف شمرده شده را از ضعف خارج می کند.

۱. همان، ج ۱۲، ص ۴۲۲.

۲. نجاشی سهل بن زیاد را تضعیف می کند اگر چه شیخ طوسی در رجال ایشان را توثیق کرده است.

ر.ک: رجال نجاشی، ذیل واژه سهل، ص ۱۸۵؛ رجال طوسی، ص ۳۸۷.

۳. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، ج ۱۲، ص ۴۵۸.



و- جمع بین راوی غیر امامی و وثاقت

عمل به روایت راوی غیر امامی مورد اتفاق همه علماء نیست اگر چه مشهور متأخرین عمل می‌کنند.^۱

صاحب ریاض در وثاقت تنافی بین غیر امامی و امامی نمی‌بیند. در این زمینه می‌گوید: «و كذلك الرواية الثانية ليست بضعيفة، بل موثقة؛ إذ ليس في سندها من يتوقف فيه سوى عمار الساباطي، وهو وإن كان فطحياً إلا أنه ثقة»^۲.
عمارساباطی با اینکه فطحی است اما چون ثقة است روایتش مورد قبول قرار گرفته است.

ز- اعتبار قاعده تسویه:

یکی از توثیقات قاعده تسویه است. منشأ این توثیق، کلامی است که شیخ طوسی در کتاب اصولی خود «العدة فی اصول الفقه» بیان می‌کند:
«سَوِّتُ الطائِفَةَ بَيْنَ مَا يَرْوِيهِ: مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَمِيرٍ وَ صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو نَصْرِ بْنِ زَنْطَى وَ غَيْرُهُمْ مِنَ الثَّقَاتِ- الَّذِينَ عَرَفُوا بِأَنَّهُمْ لَا يَرَوْنَ وَ لَا يَرْسُلُونَ إِلَّا عَمَّنْ يَوْثِقُ بِهِ - وَ بَيْنَ مَا أَسْنَدَهُ غَيْرُهُمْ؛ وَ لِذَلِكَ عَمَلُوا بِمَرَاسِيلِهِمْ إِذَا انْفَرَدُوا عَنْ رِوَايَةِ غَيْرِهِمْ»^۳.

بنابر گواهی شیخ طوسی علماء مذهب در سنجه روایت ابن ابی عمیر و صفوان به یحیی و احمد بن زنتی بین روایات مرسل این سه تن و روایات مسند دیگران فرقی قائل نیستند و این نشان

۱. قبادی، مریم، جایگاه مذهب راوی در توثیقات رجالی، ص ۱۱۷.

۲. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، ج ۱۲، ص ۴۵۸.

۳. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴.



از دقت مبانی حدیثی راویان پیش گفته دارد به طوری که إسناد و إرسال شان جز از ثقات نیست.

در نهایت شیخ طوسی این قاعده را برای دیگر ثقات هم تسری می دهد اما آن چه عملاً مورد قبول قرار گرفته است حجیت مراسیل ابن ابی عمیر است که توجیه مناسبی برای ارسال از طرف وی در تاریخ ذکر شده است.^۱

صاحب ریاض به این قاعده به طور بسیار محدود -یک مورد درباره بزنی - آن هم در کنار قاعده اصحاب اجماع استناد کرده است و گویا از جایی که افراد مصرح در این قاعده مشترک با اصحاب اجماع اند آن را جدا از قاعده اصحاب اجماع یا تأکید آن ندانسته است. به موارد ذیل دقت کنید:

احمد بن ابن نصر بزنی:

«مضافاً إلى المرسل كالموثق بابن أبي نصر الثقة الذي أجمعت على تصحيح ما يصح عنه العصابة، مع أنه لم يرو إلا عن الثقة كما في العدة»^۲

ابن ابی عمیر

«و إن كانت اللقطة دون درهم فهي لك فلا تعرفها» الخبر....و المرسل كالصحيح بابن أبي عمير المجمع على تصحيح رواياته»^۳

این دو راوی جلیل القدر اگر چه جزء سه نفر قاعده تسویه هم هستند اما مرحوم صاحب ریاض به این که از اصحاب اجماع اند تمسک می کند.

۱. سند، محمد، بحوث فی مبانی علم الرجال، ص ۴۰.

۲. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، ج ۱۱، ص ۴۸۰.

۳. همان.



ح - إضمار:

یکی از عوامل ضعف که در سند روایت پیش می‌آید و عده‌ای آن را پذیرفته‌اند «إضمار» است. وقتی راوی در آخر سند می‌گوید: «عنه...» سؤال پیش می‌آید که مرجع ضمیر در «عنه» امام است یا غیر امام؟ این إضمار است که موجب ضعف سند می‌شود.^۱ البته بین إضمار راویان تفاوت است و همان طور که از برخی بزرگان همچون آیت الله بروجردی نقل شده که إضمار راویان برجسته همانند محمد مسلم و زراره را غیر مضر دانسته‌اند چرا که جز از امام ۷ نقل نمی‌کنند.^۲

صاحب ریاض إضمار در سند روایت را موجب ضعف روایت می‌داند:

«هذا مضافا إلى اعتضاده و لو في الجملة بالمضمّر: عن شارب الخمر يُعطى من الزكاة شيئاً؟ قال: «لا» و لو لا إضماره لكان حجّة مستقلة»^۳

«و هو - مع ضعفه بالإضمار - غير ظاهر الدلالة»^۴

همان گونه که نمودار است إضمار در سند نزد صاحب ریاض دلیل بر ضعف سند و بالتبع ضعف خبر است.

ط. روایت حسن:

تقسیم پیش گفته متأخرین در دسته‌بندی احادیث که شامل حدیث معتبر صحیح، موثق و حسن می‌شود را ایشان در نظر گرفته و در باب تعارض این درجه‌بندی را رعایت می‌کند.

۱. ربانی بیرجندی، محمد حسن، سبک شناسی دانش رجال الحدیث، ص ۲۵۶.

۲. همان، ص ۳۰۲.

۳. طباطبائی حائری، سیدعلی بن محمد، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع، ج ۱، ص ۵۱۲.

۴. طباطبائی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۲۲.



در عبارتی این گونه بیان می‌کند:

«و لا يعارضه الحسن بعدهما؛ لقصور سنده و إن اعتُبر...»^۱

اگر چه خبر حسن، معتبر است اما در مقام تعارض با رتبه‌های بالاتر از خود مثل صحیح
تاب مقاومت ندارد.

۱. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، ج ۵، ص ۳۶۲.



نتیجه‌گیری:

مجتهد جهت رد یا قبول یک روایت گزینه‌هایی متعددی را بررسی می‌کند. از جمله مواردی که سنجیده می‌شود سند روایت است. سند یکی از راه‌های اطمینان از صدور روایت است و برای کسانی که دارای مسلک و ثوق سندی^۱ اند تنهاترین یا مهمترین راه است.

جناب صاحب ریاض به سند روایت اهتمام زیادی دارد و آن را یکی از راه‌های مهم رد یا قبول روایت می‌داند. متأسفانه مبانی ایشان در اعتبار سنجی سند روایت صراحتاً بیان نشده است.

در این تحقیق در حد توان و با استفاده از متون فقهی ایشان مبانی و روش‌های ایشان در اعتبارسنجی اسناد روایات بدست آمد از جمله حجیت خبر ثقه، حجیت قول رجالی، اعتبار سند صحیح و...

پیشنهاد می‌شود مقالات رجالی این همایش تجميع و با سیر منطقی تدوین شود که برآیند آن تبدیل به متنی درباره مبانی و آراء رجالی مرحوم صاحب ریاض شود.

۱. گروهی از متأخران و معاصران، بسیار در سند حدیث دقت می‌کنند؛ مثل: آیت الله خویی، سید محمد عاملی، شیخ حسن عاملی و شهید ثانی، اینان درباره سند روایت بسیار سختگیرند و اعتبار روایت را تنها از طریق سند می‌دانند. این گروه را مکتب «و ثوق سندی» می‌نامند؛ یعنی مکتبی که اعتبار حدیث را فقط از طریق سند می‌دانند. در مقابل اینان، مکتب «و ثوق صدور» است که قدما همه پیرو این مکتب بوده‌اند؛ آنان معتقد بودند که برای اعتماد و یقین به صدور از معصوم علیه السلام، سند تنها راه نیست؛ گاهی روایتی در چند کتاب آمده، یا این که راوی آن از اصحاب اجماع است و یا این که روایت از مشایخ ثلاثه نقل شده است؛ اینها همه قرائنی است که صدور روایت از معصوم ۷ را می‌رساند. نک: ربانی بیرجندی، محمدحسن، سبک‌شناسی دانش رجال الحدیث، ص ۱۱۹.

فهرست منابع

۱. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، انتشارات اسلامی، بی تا.
۲. ایروانی، باقر، **دروس تمهیدیه فی القواعد الرجالية**، قم، مدین، ۱۴۳۱ق.
۳. حسن بن زین الدین، **منتقى الجمان**، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، ۱۳۶۲ق.
۴. ربانی بیرجندی، محمد حسن، **سبک شناسی دانش رجال الحديث**، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۵ ش.
۵. رحمان ستایش، محمد کاظم، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۴ ش.
۶. رحمان ستایش، محمد کاظم، **آشنایی با کتب رجالی شیعه**، تهران، سمت، ۱۳۸۵ ش.
۷. سبحانی، جعفر، **کلیات فی علم رجال**، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۸. سند، محمد، **بحوث فی مبانی علم الرجال**، قم، مدین، ۱۴۲۹.
۹. صرامی، سیف الله، **مبانی حجیت آراء رجالی**، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۱ ش.
۱۰. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد، **ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالادلة**، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.



۱۱. طباطبائی حائری، سیدعلی بن محمد، **الشرح الصغير في شرح مختصر النافع**، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، **العدة في اصول الفقه**، قم، چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، **رجال طوسی**، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. قبادی، مریم، **جایگاه مذهب راوی در توثیقات رجالی**، مقالات و بررسیها، دفتر ۷۲، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. کشی، محمد بن عمر، **اختیار معرفه الرجال**، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل، **منتهی المقال في أحوال الرجال**، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. نجاشی، احمد بن علی، **فهرست اسماء مصنفی الشیعه**، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

